

گزارشی درباره تاریخچه یکی از محلات قدیمی

سنبلد از افسانه تا تاریخ



منطقه ساکن شدند و الان هم خانه پدری ام که خیلی قدیمی است، همین جاست.»

این ها را می گوید و درباره خانه قدیمی پدرش توضیح می دهد: خانه ما دو اتاق بزرگ داشت، یک راهرو وسط و یک مطبخ و توالی که کنار حیاط بود. یک حوض در وسط حیاط داشتیم. یادم هست که زمستان ها آن قدر هوا سرد می شد که آب حوض یخ می زد و مر حوم پدرم برای اینکه آب یخ نزنند و دیوارهای حوض ترک برندارد، تکه های بزرگ چوب را داخل آن می انداخت. کوچک که بودم، مر حوم پدرم طبقه بالا را ساخت و چند اتاق برای ما بچه ها درست کرد. تا الان هم بنا همانند قدیم مانده است؛ همان آجرهای قدیمی که من بعید می دانم دیگر کسی بتواند این چنین بناهایی سازد.

او در تایید حرف های خود، شغلش را معرفی می کند و می گوید: من مهندس تأسیسات ساختمان هستم و کارم طراحی، اجرا و نظارت بر پروژه های تأسیسات ساختمانی است. خودم می توانم تشخیص دهم که کار چقدر با ظرافت انجام شده است. مادر طبقه بالا ایوانی داریم که زیرش را ضریبی زده اند و من چون تخصص در ساخت دارم، می دانم که چقدر زیبا طراحی کرده اند و چه ظرافتی به کار برده اند.

تاریخچه سنبلد

دهلوی از قبل، موضوع گفت و گورامی داند، برای همین هنوز کلامم تمام نشده وسط سؤالم درباره تاریخچه سنبلد می پرد می گوید: در گذشته اینجا دهی بود که به نام سنبلد شهرت داشت و از آن زمان هم این اسم روی این منطقه مانده است. در زمان ورود امام رضا (ع) عده ای از اهالی این محله به استقبال حضرت رفتند که این موضوع در تاریخ ثبت شده است. در واقع این منطقه قدمت بسیار زیادی در حدود هزاران سال دارد. در گذشته سنبلد جزو دوسه خیابان اصلی شهر بود و به لحاظ موقعیتی بالای شهر به حساب می آمد، آن زمان هنوز نه احمدآبادی بود و نه بولوار سجادی. در آن زمان احمدآباد، باغات بود و آنجا کشاورزی می شد و انتهای آن به باغ ملک آباد می رسید. تمام ملاکین بزرگ منطقه و در واقع افراد متمول شهر هم اینجا ساکن بودند. مثلاً آقای قریشی که جزو ملاکان بزرگ مشهد بود، خانه بزرگی داشت که نزدیک مسجد بود و آن را به دانشکده علوم پزشکی اهدا کرد. آقای سید موسی قائم مقامی، یکی دیگر از متمولین مشهد بود که شاید حدود ۲۰ تا ۴۰ ملک کشاورزی داشت، خودش هم ساکن اینجا بود و این مسجد ملک وقفی ایشان است.

باغات زر دآلودر کوچه های مسعود

از او می خواهم کمی درباره این محله و ساکنان قدیمی آن توضیح بدهد که در پاسخ می گوید: اینجا یک محله قدیمی است. در زمان کودکی ام این خیابان خاکی بود و یادم است که همان زمان برای آسفالت خاک برداری می کردند؛ چون این منطقه جزو مناطق بالای شهر محسوب می شد و زود آسفالت شد. افرادی هم که اینجا سکونت داشتند از قومیت های مختلف بودند، در کوچه منوچهری یا مسعود، ترک ها ساکن بودند و آنجا به محله ترک ها معروف بود؛ ارامنه هم در محدوده ای

فاطمی نسب ۱۲ قرن است که آبی مشهور و ناشناخته از دل تاریخ پرفراز و نشیب سنبلد عبور می کند. آب زلالی که در صفحات تیره و تار تاریخ، از زیر کاخ باشکوه حمید بن قحطبه عبور کرده و تا نزدیکی وکیل آباد امروزی جاری بوده است. گفته اند که آب این قنات مبارک است؛ چون پیکر مطهر حضرت رضا (ع) را در این آب غسل داده اند. گفته اند این قنات، همان قناتی است که بیهقی در شرح خدمات ابوالحسن عراقی، دبیر غزنویان از احیای آن در مشهد یاد کرده است، گفته اند سیلی عظیم در گذشته آمده که در مسیر این قنات فرو ریخته و شهر از بین نرفته است. گفته اند و گفته اند اما به راستی چه کسی از حقیقت تاریخی این قنات خبر دارد؟ چه کسی می داند که اولین بار زمین چه کسی سفره دلش را برای این مردمان باز کرد؟ تاریخ سنبلد از گذشته تا کنون با روایت های مختلف و متفاوتی روبه رو بوده است. کتاب های تاریخی از ابتدا تا کنون نام آن را سنبلد ذکر کرده اند و از قدمت تاریخی اش گفته اند. در کتب تاریخی آمده است که سنبلد یکی از قریه های مجاور نوغان واقع در غرب آن بوده است. این آبادی نیز مانند دیگر آبادی ها، دارای قنات، قلعه یا محلی برای سکونت اهالی در مظهر قنات و همچنین اراضی در زیر دست مظهر قنات بوده است. آب سنبلد که به دلیل جاری بودن در قریه سنبلد به این نام شهرت یافته، بنا به شواهد تاریخی با بیش از یک هزار سال قدمت، در اراضی و باغ های سنبلد نوغان، واقع در بخشی از دشت توس جاری بوده و چون جسد مبارک حضرت رضا (ع) را ظاهر با آب قنات سنبلد غسل داده اند، قنات مزبور از آن پس دارای قداست و احترام شده و نامش محفوظ مانده است. مظهر یا فرهنگ قنات سنبلد، بعدها به «سر آب» یا سراب شهرت یافته و چون در زمان شاه طهماسب صفوی برای مشهد باروبی احداث شده، محل یکی از دروازه ها را در همان نقطه «سراب» قرار داده اند؛ بدین گونه، عنوان «دروازه سراب» نیز پدید آمده که تا کنون با همین نام در مشهد باقی مانده و محلی کاملاً شناخته شده است. اما حالا این روستای پیرمندی است که شهری شده و کوی و برزنش رنگ و لعاب متمدنانه ای به خود گرفته است. با این حال تاریخ جادویی و اساطیر اهالی این منطقه پای ما را به میز گفت و گویایی از ساکنان قدیمی این منطقه در مسجد سنبلد کشاند. گفت و گویی که روایت تاریخ سنبلد از سال های دهه ۳۰ تا کنون است.

خانه پدری دهلوی

حسن دهلوی، متولد ۱۳۳۲ است و در همین خیابان طاهری محله سنبلد به دنیا آمده است. می گوید از ابتدا ساکن اینجا بوده و محل کارش نیز همین جا بوده است.

سه پسر دارد و یک دختر. او که خودش از ابتدا دل به این منطقه بسته و از اینجا تکان نخورده است، تلاش زیادی برای ماندن فرزنداناش در این محل کرده است، تلاشی که البته نتیجه ای در بر نداشته است.

«پدرم از ابتدا ساکن این منطقه بوده است، البته اصالتاً یزدی هستیم و پدر و مادرم شاید در سال ۱۳۱۰ از یزد به مشهد آمدند و از همان پدو ورود در همین

در زمان ورود امام رضا (ع) عده ای از اهالی این محله به استقبال حضرت رفتند که این موضوع در تاریخ ثبت شده است

